


تحلیل تطبیقی مبانی اقتصاد جمعیت از منظر مکتب شیكاگو و آموزه‌های قرآن کریم

سیدامیرحسین حسینی فیروزکلایی / کارشناس ارشد اقتصاد اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی

sahhfk78@gmail.com

aalizadeh@atu.ac.ir

 orcid.org/0009-0002-5959-0837

امیر خادم عزیزاده / دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۶ - پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۹

چکیده

اقتصاد جمعیت از دیرباز موضوعی چالشی در ادبیات توسعه و پیشرفت اقتصادی بوده است. در این زمینه اقتصاددانان تحلیل‌های متفاوتی از کارکردهای اقتصادی جمعیت و همچنین انگیزه‌های فرزندآوری ارائه داده‌اند. یکی از رویکردهای مطرح در این زمینه، رویکرد مکتب شیكاگو به جمعیت و فرزندآوری است. هدف از این پژوهش، تحلیل تطبیقی دیدگاه‌های جمعیتی مکتب اقتصادی شیكاگو و آموزه‌های قرآن کریم و بررسی بن‌مایه‌های نظری این دو دیدگاه می‌باشد. یافته‌های پژوهش که به روش تحلیل تطبیقی سامان یافته، نشان می‌دهد: ادبیات اقتصاد باروری مکتب شیكاگو که مبانی آن برگرفته از نظریه کمیت - کیفیت جمعیت‌گری بکر بوده و پایه اصلی عمده نظریات اقتصاد باروری در اقتصاد متعارف می‌باشد، اختلافات جدی و اساسی با مبانی قرآنی در حوزه جمعیت دارد. همچنین از دیدگاه قرآن کریم، رویکرد هزینه - فرصتی در ازدواج و فرزندآوری مردود بوده و نوعی شرک و کفر به وعده خداوند متعال محسوب می‌گردد. نگاه مکتب شیكاگو به فرزند به هیچ عنوان از بعد نعمت الهی نیست؛ پیروان این مکتب تمایلات مالی در فرزندآوری را دارای اولویت نسبت به تمایل و اشتیاق فطری انسان می‌دانند. بر همین اساس و در نظر گرفتن انتخاب عقلایی فرد مسلمان با فرض عقلانیت محدود، دیدگاه مکتب شیكاگو از منظر مبانی دینی مردود است.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد جمعیت، آموزه‌های قرآن کریم، اقتصاد اسلامی، مکتب شیكاگو.

طبقه‌بندی: JEL: P23.R23, Q56, P42

جمعیت از ارکان مهم رشد و پیشرفت کشورها و از مؤلفه‌های اصلی تمدن‌سازی است. نظریات متنوع و متعددی در زمینه اقتصاد جمعیت مطرح شده است؛ این نظریه‌ها در دو طیف نظریات موافق و مخالف کاهش جمعیت جای می‌گیرند. این نظریات از آنجا اهمیت می‌یابد که تدابیر فردی و حاکمیتی در اقتصاد و جمعیت را به یکدیگر در هم تنیده و گره زده است و به عنصری سرنوشت‌ساز و عاملی با اثرگذاری بلندمدت، تبدیل کرده است. در حال حاضر، جمعیت از جمله مهم‌ترین ابعاد سنجش اقتدار و پیشرفت اقتصادی است.

در میان نظریات مختلف اقتصاد جمعیت، اختلاف جدی در مبانی باعث گردیده تا سیاست‌های جمعیتی متعارضی پیشنهاد شود. در حالی که بسیاری از کشورها افزایش جمعیت را ترویج می‌کنند، سیاست‌های کاهش جمعیت در جمهوری اسلامی ایران اجرایی شد. این امر بررسی مبانی نظریه‌های اقتصاد جمعیت را ضروری می‌کند. در این مقاله به بررسی تفاوت مبانی اسلامی اقتصاد جمعیت با مبانی اصلی مطرح در علم اقتصاد، به‌ویژه یکی از اثرگذارترین آنها یعنی مکتب شیکاگو، می‌پردازیم. فرضیه مقاله آن است که مبانی اسلامی اقتصاد جمعیت در تعارض جدی با مبانی مکاتب لیبرال و متعارف اقتصادی با پرچمداری مکتب شیکاگو است.

برای تحلیل تطبیقی مبانی اقتصاد جمعیت از منظر مکتب شیکاگو و آموزه‌های قرآن مجید ابتدا به بررسی پیشینه موضوع می‌پردازیم. در ادامه مبانی اقتصاد جمعیت در مکتب شیکاگو تحلیل می‌شود. بخش بعدی مقاله به تبیین مبانی اقتصاد جمعیت از منظر آموزه‌های قرآن کریم اختصاص دارد. در انتهای مقاله به تحلیل تطبیقی مبانی اقتصاد جمعیت از منظر مکتب شیکاگو و آموزه‌های قرآن می‌پردازیم.

۱. ادبیات پژوهش

در اینجا، جهت تسهیل دریافت مفاهیم به کار رفته، کلیدواژه‌های محتوایی اصلی استفاده شده در متن، تبیین می‌شود.

مفاهیم پایه

انتخاب عقلایی بر مبنای عقلانیت محدود

براساس نظریه انتخاب عقلایی متعارف، بازیگران فعال در اقتصاد زمان تصمیم‌گیری اقدام به انتخابی عقلایی می‌کنند. اقتصاددانان تفاسیر متفاوتی از عقلانیت اقتصادی و انتخاب عقلایی مطرح کرده‌اند. *آمارتیا سن* تفاسیر مختلف از عقلانیت را در قالب دو رویکرد «سازگاری درونی انتخاب‌ها» به معنای انتخاب مستدل و نظام‌مند از بین گزینه‌های موجود با توجه به ترجیحات و «بیشینه‌سازی نفع شخصی» به معنای انتخاب با نسبت‌سنجی بین گزینه منتخب و نفع شخصی فرد، مطرح می‌کند (سن، ۱۹۸۸، ص ۱۴).

نظریه عقلانیت محدود یا نظریه رضایتمندی از جمله نظریاتی است که در آن محدودیت‌های انتخاب عقلایی و عدول افراد از انتخاب بهینه به سمت «انتخاب رضایتمند» مطرح شده است. براساس این نظریه مردم به دنبال یافتن

بهترین گزینه از میان مجموعه‌های از گزینه‌های ممکن نیستند؛ بلکه در پی انتخاب گزینه «رضایت‌بخش یا به اندازه کافی خوب» می‌باشند (توکلی، ۱۴۰۰).

اندیشمندان اقتصاد اسلامی علاوه بر نقد نظریه انتخاب عقلایی متعارف، کوشیدند تا این نظریه را اصلاح کرده و یا جایگزینی برای آن ارائه کنند. نظریه‌های انتخاب عقلایی در اقتصاد اسلامی را می‌توان در دو گروه جداگانه نظریه انتخاب عقلایی اسلامی مطلوبیت‌گرایانه و غیرمطلوبیت‌گرایانه دسته‌بندی کرد. براساس رویکرد اول، انتخاب عقلایی به مفهوم بیشینه‌سازی منافع مادی، معنوی و اخروی است. در رویکرد دوم، انتخاب عقلایی در معانی همچون بیشینه‌سازی رضایت خداوند گرفته شده است.

در نظریه‌های مطلوبیت‌گرایانه، انتخاب عقلایی به مفهوم بیشینه‌سازی مطلوبیت یا لذت گسترده شامل لذت دنیا و آخرت و لذت‌های مادی و معنوی گرفته شده است. بر این اساس، انتخاب عقلایی معادل بیشینه کردن سرجمع لذت‌های دنیایی و و آخرتی یا بیشینه‌سازی لذت مادی و معنوی در دنیا و آخرت گرفته شده است (رک: میرمعزی، ۱۳۸۴؛ هادوی‌نیا، ۱۳۸۷).

در تعریفی دیگر، انسان اقتصادی در نگاه دین انسانی است دارای عقلانیت بارور شده از طریق وحی که در بستری از معنویت رشد یافته و به سوی عدالت در حرکت است. به عبارت دیگر، در رهیافت دینی عدالت هدف زندگی تعیین شده است و انسان با استفاده از ابزار عقل و در بستری از معنویت باید به سوی آن حرکت کند. عقل نظری انسان را به شناخت مطابق با واقع و اعتقاد درست و دینی می‌رساند و عقل عملی شایسته و ثواب را به انسان می‌نماید و او را به سوی این اعمال به حرکت وا می‌دارد (منظور و همکاران، ۱۳۹۲).

مکتب شیکاگو

مکتب شیکاگو از حیث توصیفی و تجویزی تأکید زیادی بر کارکرد بازار آزاد و سیاست‌های بازاری دارد؛ رویکردی که دست‌کم از دهه ۱۹۳۰ منسوب به دانشگاه شیکاگو است. آموزه‌های مکتب اقتصادی شیکاگو در طول زمان تغییر کرده و در هر دوره زمانی نیز همه اعضا به یکسان ارتدوکس نبوده‌اند. با این حال، اصول و باورهای مشترک این مکتب از ۱۹۸۹ به بعد را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱. علم اقتصاد به رفتار افراد کاملاً مطلعی می‌پردازد که در پی بیشینه‌سازی منافعشان در بازارهای مبادله رقابتی‌اند. هر تبیین دیگری از رفتار انسان، تبیین «اقتصادی» نخواهد بود. همچنین، احتمالاً هیچ نظریه عام سودمند دیگری وجود ندارد.

۲. اگر جهان مطابق تصویری که علم اقتصاد از آن ترسیم می‌کند سروسامان یابد، افراد منافع خود را بدون آسیب به منافع دیگران دنبال خواهند کرد.

۳. دنیای واقعی تا حد معقول و رضایت‌بخشی نزدیک به مدل اقتصاددانان عمل می‌کند و منافع و مزایایی را که این مدل پیش‌بینی می‌کند، محقق می‌سازد.

۴. تصمیم‌گیری‌های حکومتی، مانند تصمیم‌هایی که در اقتصاد بخش خصوصی می‌گیرند، توسط افرادی به عمل می‌آید که در پی بیشینه‌سازی مزایا و منافع خویش می‌باشند. بنابراین، جز دستیابی به اهداف صاحب‌منصبان حکومتی انتظار دستیابی به هیچ هدف خاصی - نظیر بهره‌وری یا برابری - را نباید داشت.

۵. حجم پول عامل اصلی اثرگذار بر سطح قیمت‌ها و ثبات باز داده کل است.

پس از جنگ جهانی دوم، رهبری مکتب شیکاگو به دست نسل جدید افتاد. از میان آنان، *میلتون فریدمن* و *جرج استیگر* برجسته‌تر بودند؛ *آرون دی‌رکتور* و *رونالد کواس* نیز بسیار مهم بودند. در دهه ۱۹۷۰ می‌توان نسل سوم را شناسایی کرد که *گری بکر* و *رابرت لوکاس* از رهبران آنها بودند. هرچند تنها اقلیت کوچکی از اقتصاددانان آمریکا خود را طرفدار مکتب شیکاگو می‌دانند، اما تأثیر و نفوذ این مکتب بر تفکر اقتصادی بسیار ژرف بوده است. حتی اقتصاددانانی که به اندازه پیروان مکتب شیکاگو زیاده‌روی نمی‌کردند، نیاز به تحلیل دقیق‌تر و عالمانه‌تری درباره مدل بازار آزاد را به صورت تبیین و تجویز، احساس می‌کردند. به همین سبب، اقتصاددانانی که طرفدار سیاست‌های پولی نبودند، با اهمیت پول و نیاز به جست‌وجوی استراتژی‌های بهتری برای مدیریت پولی موافق بودند.

گری بکر به عنوان بنیانگذار مبانی اقتصاد اجتماعی در مکتب شیکاگو، نظریه اقتصاد جمعیت این مکتب را بسط داده است. وی با ارائه نظریه انتخاب باروری مدل اقتصادی ارائه می‌دهد که براساس آن کودکان مشابه کالاهای بادوام مصرفی مانند اتومبیل یا خانه تلقی می‌شوند. از نظر بکر، والدین، هم از کمیت فرزند (یعنی تعداد فرزندان) و هم از کیفیت کودکان مطلوبیت کسب می‌کنند؛ مطلوبیت و سودمندی که می‌تواند با مبلغی که برای هر کودک در قیمت‌های معین خرج می‌شود، مشخص شود (بکر، ۱۹۶۰).

کمیت - کیفیت جمعیت

در نظریات اقتصاد خرد باروری، فرزندآوری عموماً به‌عنوان نتیجه تصمیم‌گیری عقلایی خانواده تحلیل می‌شود. براساس نظر بکر، با افزایش نرخ باروری و فرزندآوری، مفهوم کلیدی کیفیت فرزندان، اهمیت کیفیت فرزندان و همچنین افزایش هزینه‌های آنان و تعداد فرزندان موردنظر خانواده‌ها کاهش می‌یابد (بکر، ۱۹۶۰)؛ اما تمایلات افراد برای فرزندآوری لزوماً عقلانی نیست و می‌تواند متأثر از باورهای آنان در مورد فرزندآوری و نتایج و پیامدهای آن باشد. این باورها تحت تأثیر فضای فرهنگی و اجتماعی جامعه و همچنین انتظارات و خواسته‌های افراد قرار دارد. فرض اصلی نظریه بکر این است که کودکان برای والدین مانند کالاهای مصرفی بادوام می‌باشند؛ خانواده به‌مثابه یک کل تلاش می‌کند تا کالاهای بیشتری اعم از فرزندان و سایر کالاها را با توجه به بودجه محدود خود مصرف کند. در این حالت، مطلوبیت خانواده برابر با مطلوبیت حاصل از مصرف فرزندان (منافع حاصل از فرزندآوری) و دیگر کالاهاست. به عبارت دقیق‌تر، کالاهایی که زوجین می‌توانند بخرند، شامل تعداد فرزند زنده، کیفیت بچه (شامل سلامت و آموزش کالاهای متداول و خدمات) است (گیلیس و همکاران، ۱۹۹۸). در این مدل محدودیت خانواده‌ها، زمان و هزینه خرید کالاها و خدمات است (فلوپ، ۱۹۷۷). بکر سعی کرده با استفاده از این مدل مسئله کاهش باروری را تبیین کند. به اعتقاد وی، در دنیای کنونی هزینه فرزندان در حال افزایش است؛ افزایش هزینه مزبور به‌صورت

خاص متأثر از افزایش هزینه فرصت والدین است؛ بدین معنا که زمانی که صرف بچه‌داری می‌شود، ارزش بیشتری از گذشته دارد. با توجه به افزایش هزینه کیفیت بچه‌ها (هزینه‌ای که باید صرف آموزش، بهداشت و سایر موارد شود)، بسیاری از والدین با سرمایه‌گذاری زیاد در کودکان مخالف می‌باشند؛ آنها حاضرند پول بیشتری را برای فرزندان کمتر هزینه کنند (گیلیس و همکاران، ۱۹۹۸). به نظر فلوپ، مدل بکر بیان می‌کند که با توجه به افزایش ارزش وقت زنان، خانواده‌ها ترجیح می‌دهند فرزندان کمتر با کیفیت بیشتر داشته باشند (فلوپ، ۱۹۷۷)؛ منظور از فرزند باکیفیت‌تر نیز بچه سالمی است که خوب تحصیل کند و سایر خصوصیات خوب را داشته باشد. از نظر بکر، افزایش درآمد باعث تغییر در کسب تعداد فرزندان و کیفیت فرزندان می‌شود، بر این اساس، ثروتمندان فرزندان کمتر باکیفیت بالا و فقرا فرزندان بیشتر باکیفیت پایین‌تری دارند. بکر گسترش وسایل پیشگیری از حاملگی را نیز در کاهش باروری مؤثر می‌داند.

روش تحلیل تطبیقی

تحلیل تطبیقی کیفی روشی است که توسط چارلز ریگین در سال ۱۹۸۷ به منظور رفع مشکل جامعه‌شناسان کلان در استنباط علت از مشاهدات اندک مطرح شد؛ روشی که از جمله تأثیرگذارترین نوآوری‌های اخیر در روش‌شناسی علوم اجتماعی به شمار می‌رود. این روش در آغاز توسط تعداد انگشت شماری از جامعه‌شناسان سیاسی به کار گرفته شد. ولی از آن پس این روش نفوذ زیادی بر علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، اقتصاد و تجارت، مدیریت و سازمان، مطالعات حقوقی و جرم‌شناسی، آموزش، انسان‌شناسی، پزشکی گذاشت (احمدی و حاجی هاشمی، ۱۳۹۴).

گذار از نظریه‌های عمومی به نظریه‌های ساختاری در حوزه جامعه‌شناسی انقلاب و تحولات اجتماعی توجه به روش و تحلیل تطبیقی را دو چندان ساخته است. گزینش واحدهای کلان و بزرگ در این روش، معمولاً حجم محدودی دارند؛ مسئله حجم واحدها یا نمونه‌ها نکته‌ای اساسی و مهم است. منطق پژوهش تطبیقی در درجه نخست بر این نکته تأکید دارد که رویکرد مکانیکی و ساده‌انگارانه نسبت به جهان اجتماعی با ماهیت واقعیت‌های جهان سازگاری ندارد. این منطق بر پیچیدگی و درک روابط زنجیره‌ای و واکنشی در قالب رویکرد مسیر وابسته برای تحلیل‌های اجتماعی و تاریخی تأکید دارد؛ بر این اساس، آثار و پیامدهای بزرگ را همیشه نمی‌توان برحسب فرایندهای کوتاه‌مدت، منحصر به فرد، متوازن و پیش‌بینی‌پذیر تبیین کرد؛ بلکه باید سیر تحول را زنجیره‌ای و احتمال‌گرایانه بررسی کرد (غفاری، ۱۳۸۸).

پیشینه مطالعات داخلی

دمنه و فاطمی (۱۳۹۹) در پژوهش «بررسی ترجیحات والدین در مورد کمیت و کیفیت فرزندان: مطالعه موردی جامعه شهری ایران در بازه ۱۳۸۵-۱۳۹۰» به بررسی رابطه علیت در نظریه کمیت - کیفیت بکر در دیات اقتصاد باروری پرداخته‌اند؛ آنها با هدف مطالعه رابطه اندازه خانواده و کیفیت آن، به بررسی تأثیر اندازه خانواده و ترتیب تولد فرزندان بر دستاوردهای تحصیلی فرزندان، پرداخته‌اند.

محمودی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله «اقتصاد و باروری (نظریه‌ها و نقدها)» با بررسی نظریه‌های مهم اقتصادی در موضوع باروری از زمان آدم/اسمیت تا دوران معاصر، تقسیم‌بندی مناسبی از این نظریه‌ها ارائه کرده‌اند. براساس یافته‌های این پژوهش، تقسیم‌بندی این نظریه‌ها به خرد و کلان بهترین تقسیم‌بندی برای این موضوع است؛ همچنین نظریه‌های خرد استحکام نظری بیشتری دارند.

مهربانی (۱۳۹۲) در مقاله «بررسی مقایسه‌ای الگوها و مکاتب اقتصاد باروری با به‌کارگیری داده‌های ایران» بیان می‌کند که مکتب شیکاگو - لمبیا با مدد از نظریه اقتصادی محض نئوکلاسیک، رفتار باروری را به‌مانند تقاضا برای یک کالا تحلیل می‌کند؛ در این تحلیل متغیر کلیدی قیمت زمان والدین است؛ متغیری که به‌مثابه عاملی مهم در تعیین قیمت فرزند در نظر گرفته می‌شود. این در حالی است که مکتب پنسیلوانیا با ساختن ملغمه‌ای از نظریه اقتصادی و جامعه‌شناسی به تبیین رفتار باروری از زاویه عرضه می‌پردازد؛ در این رویکرد درآمد نسبی متغیر محوری است. شواهد به‌دست‌آمده از ایران دلالت بر صحت ادعای هر دو مکتب دارد.

توکلی (۱۳۹۵) در کتاب *اقتصاد جمعیت (از اقتصاد متعارف تا اقتصاد مقاومتی)* نظریه‌های متعارف و اسلامی در زمینه اقتصاد جمعیت را مطرح می‌کند؛ وی کاهش جمعیت را متغیری می‌داند که باعث کاهش تاب‌آوری و مقاومت اقتصاد در برابر تکانه‌های داخلی و خارجی می‌شود.

اسلامی (۱۳۹۲) در مقاله «مطلوبیت افزایش جمعیت مسلمان از نگاه فقهی» بیان می‌دارد که مطلوبیت شرعی افزایش جمعیت مسلمان و تحقق آن به‌عنوان سیاست کلی نظام، تنها با تشکیل خانواده و ترغیب به فرزندآوری بیشتر است. وی با ارائه دو دسته ادله شرعی، این فرضیه را اثبات می‌کند: دسته اول، آیات و روایات مربوط به مسائل خانواده است؛ و دسته دوم، ادله‌ای است که به امور دیگری همچون بیان نعمت‌های دنیوی و وصف جامعه اسلامی به عزت‌مداری و مانند آن می‌پردازد.

پیشینه مطالعات خارجی

ال. لور (۲۰۰۸) در مقاله «سن ازدواج و بی‌ثباتی زناشویی: بررسی مجدد فرضیه بکر - لنز - مایکل» نتیجه می‌گیرد که برخلاف پیش‌بینی مدل بکر (۱۹۷۳)، زمانی که سایر عوامل ثابت نگه داشته می‌شوند، جفت‌گیری مثبت براساس دستمزد وجود دارد. لام (۱۹۸۸) توضیحی برای این نظم تجربی ارائه می‌دهد. او این ایده را توسعه می‌دهد که مصرف مشترک کالاهای عمومی، منبع مهمی از منافع حاصل از ازدواج، به دلیل بازدهی از سوی همسران که تقاضاهای مشابهی برای کالاهای عمومی دارند، تمایل به جفت‌گیری مثبت از طریق دستمزد را ایجاد می‌کند.

برگمن (۱۹۹۵) در مقاله «نظریه بکر در مورد خانواده: نتیجه‌گیری‌های نادرست» بیان می‌کند که نظریه اقتصادی در مورد خانواده، باید درک ما را از پدیده‌های مورد مطالعه افزایش دهد و ما را قادر به مداخله اثربخش در موارد نامطلوب کند. به‌نظر وی، همه نظریه‌های اقتصاد خانواده در رسیدن به این هدف ناکام بودند؛ برای نمونه، آخرین ویرایش نظریه خانواده بکر به نتایج ظاهراً مضحکی منتهی می‌شود. این نوع نظریه‌پردازی، مانند تقریباً تمام نظریه‌های

نوئوکلاسیک، به این نتیجه می‌رسد که نهادهای تصویرشده خوش‌خیم می‌باشند و مداخله دولت در بهترین حالت بی‌فایده و احتمالاً مضر خواهد بود؛ اما لزوماً این‌طور نیست.

لی (۲۰۱۵) در مقاله «بکر و گذار جمعیتی» عنوان می‌کند که بکر فرض می‌کند که با ثابت ماندن قیمت‌ها هم کمیّت و هم کیفیت کودکان دارای کشش درآمدی مثبت است. با این حال، از آنجا که درآمد با رشد و توسعه اقتصادی افزایش می‌یابد، تقاضا برای کیفیت انعطاف‌پذیرتر و با سرعت بیشتری افزایش می‌یابد. در نتیجه، افزایش تقاضا برای کیفیت، قیمت سایه کودک را به اندازه کافی افزایش می‌دهد، پدیده‌ای که منجر به کاهش واقعی مقدار یا تعداد کودکان درخواست شده می‌شود.

دوپکه (۲۰۱۵) در مقاله «گری بکر در مورد کمیّت و کیفیت کودکان» ابراز می‌دارد که قبل از گری بکر، انتخاب باروری به طور گسترده‌ای خارج از حوزه تحلیل اقتصادی در نظر گرفته می‌شد. جدا از سنت فکری، یکی از دلایل این امر این بود که داده‌های مربوط به باروری بلافاصله مکانیسم اقتصادی را پیشنهاد نمی‌کرد. در کشورهای صنعتی، حتی با وجود افزایش درآمد خانواده‌ها، باروری در طول زمان به شدت کاهش یافته است. به طور مشابه، نتایج بسیاری از مطالعات روی داده‌های مقطعی، بیانگر آن است که رابطه بین درآمد خانواده و باروری ثابت و یا کاهشی است. برای بسیاری از ناظران، این مشاهدات حاکی از آن است که «طعم» کودکان به‌مرور زمان از بین رفته است؛ بر این اساس، خانواده‌های پردرآمد نسبت به فقرا ارزش کمتری برای فرزندآوری قائل می‌باشند.

ریو (۲۰۱۸) در مقاله «اقتصاد جمعیت گری بکر: تولیدمثل و بیوپولیتمیک نتولیرال» استدلال می‌کند که نظریه باروری گری بکر، اقتصاددان مکتب شیكاگو، زیربنای عقلانیت معاصر حاکم بر جمعیت جهان است. این مقاله با تکیه بر نقدهای فمینیستی سیاست زیستی، بازتولید را حلقه مفقوده در نظریه بکر می‌داند. به نظر وی، بکر، نظریه‌های کلان اقتصادی باروری را با پیوند زدن تولیدمثل، و در نتیجه الگوهای جمعیتی به تصمیم شخصی افراد برای بیشینه‌سازی مطلوبیت، به چالش کشید.

در این مقاله تلاش می‌کنیم با استفاده از دستاوردهای پژوهش‌های پیشین به بررسی مبانی اقتصاد جمعیت از منظر مکتب شیكاگو در مقایسه با آموزه‌های قرآنی بپردازیم. نوآوری پژوهش حاضر، رویکرد تحلیل تطبیقی دیدگاه جمعیتی مکتب شیكاگو و قرآن کریم می‌باشد.

۲. مبانی اقتصاد جمعیت از منظر مکتب شیكاگو

نظریه اقتصاد جمعیت مکتب شیكاگو بخصوص نظریه گری بکر در زمینه ازدواج و فرزندآوری مبتنی بر مبانی خاصی است که در ادامه تحلیل می‌شود؛ تحلیلی که پیش‌نیاز مقایسه تطبیقی مبانی اقتصاد جمعیت از منظر مکتب شیكاگو و آموزه‌های قرآن است:

۲-۱. تحلیل اقتصادی باروری

قبل از گری بکر، تحلیل باروری خارج از حوزه تحلیل اقتصادی در نظر گرفته می‌شد. جدا از سنت فکری، یکی از دلایل این امر این بود که داده‌های مربوط به باروری حاکی از نوعی مکانیسم اقتصادی نبود. در کشورهای صنعتی،

حتی با وجود افزایش درآمد خانواده‌ها، باروری در طول زمان به شدت کاهش یافته بود. بسیاری از مطالعات بر روی داده‌های مقطعی، نیز بیانگر رابطه ثابت یا حتی کاهش بین درآمد خانواده و باروری بود. برای بسیاری از ناظران، این مشاهدات حاکی از آن بود که «ذلت» بردن از کودکان به مرور زمان کاهش یافته است و خانواده‌های پردرآمد نسبت به افراد فقیر ارزش کمتری برای فرزندآوری قائل می‌باشند. با این وجود، گری بکر با ارائه نظریه انتخاب باروری (بکر، ۱۹۶۰) مدلی اقتصادی ارائه داد که در آن کودکان مشابه کالاهای مصرفی بادوام مانند اتومبیل یا خانه تلقی می‌شوند. در نگاه او، والدین هم از کمیت فرزند (یعنی تعداد فرزندان) و هم از کیفیت کودکان مطلوبیت و سودمندی کسب می‌کنند؛ مطلوبیتی که براساس مبلغی که بر هر کودک هزینه می‌کنند، آشکار می‌شود. بکر اختصاص اتاق خواب مجزا به فرزندان، فرستادن آنها به مهد کودک و کالج خصوصی را نمونه‌هایی از انتخاب‌های کیفی در مورد کودک قلمداد می‌کند. بکر در کارهای بعدی به موضوع تغییر سلیقه در انتخاب کیفی در مورد فرزندان نیز می‌پردازد.

۲-۲. کشش تقاضا برای کودکان

از نظر بکر، کشش درآمدی نسبت به کمیت فرزند کم و کشش درآمدی نسبت به کیفیت فرزند بالاست؛ این ادعا این گونه مستدل شده که فرزند همانند سایر کالاهای بادوام مصرفی مانند اتومبیل و خانه است؛ وقتی خانواده‌ها ثروتمندتر می‌شوند، در بیشتر موارد، تعداد بیشتری ماشین یا خانه نمی‌خرند، بلکه به دنبال کیفیت بالاتر می‌باشند (به جای شورت اتومبیل بی ام و می‌خرند؛ خانه‌ای با اتاق خواب و حمام بیشتر خریداری می‌کنند). بر این اساس، بکر نتیجه می‌گیرد که کشش درآمد برای کیفیت کودک (یعنی هزینه برای هر کودک) باید بالا باشد، در حالی که کشش کمیت (یعنی تعداد فرزندان) باید کم باشد.

بکر علاوه بر درآمد خانوار و هزینه‌های فرزندان، آگاهی از کنترل تولد (یا فقدان آن) را نیز به عنوان یک عامل تعیین‌کننده احتمالی باروری در نظر می‌گیرد. حتی قبل از گسترش روش‌های مدرن کنترل بارداری، زوجها راه‌هایی برای محدود کردن آن داشتند. تعداد تولدها، از طریق اقداماتی مانند به تأخیر انداختن سن ازدواج، کاهش تناوب رابطه جنسی در طول ازدواج، یا به‌طور کلی پرهیز از زندگی مشترک کنترل می‌شد. با این حال، بکر در مقاله خود در سال ۱۹۶۰ این احتمال را می‌پذیرد که همه زوجها به طور یکسان در کنترل باروری مهارت ندارند و ادعا می‌کند که دانش کنترل تولد با افزایش درآمد خانواده تقویت می‌شود. در نظریه وی، رابطه بین درآمد و باروری معمولاً مثبت است (البته با شیب کم)، اما رابطه بین درآمد و باروری تحقق یافته در ابتدا رو به کاهش است؛ زیرا خانوارهای کم‌درآمد کمتر در کنترل باروری موفق می‌باشند.

۲-۳. تمرکز بر رابطه بین کمیت و کیفیت کودک

گری بکر، کیفیت کودک را با هزینه خانواده برای هر کودک وارد مدل می‌کند. این بدان معناست که اگر کیفیت کودک افزایش یابد (هزینه بیشتر برای هر کودک)، افزایش کمیت (فرزندان بیشتر) گران‌تر می‌شود. برعکس، اگر کمیت افزایش یابد، افزایش کیفیت نیز پرهزینه‌تر می‌شود؛ زیرا هزینه کیفیت به هر کودک تعلق می‌گیرد. در نظریه

اولیه بکر، مبادله بین کمیّت و کیفیت فرزند به صورت ضمنی مطرح شده بود؛ مقاله ۱۹۶۰ وی حاوی تحلیل رسمی در این زمینه نبود. یک از لوازم مهم مبادله بین کمیّت و کیفیت از طریق محدودیت بودجه این است که کشش درآمدی باروری می تواند منفی باشد؛ حتی اگر کمیّت و کیفیت کودکان به صورت مجزا کالایی معمولی (نرمال) باشد. اگر کیفیت کودک نرمال باشد، افزایش درآمد باعث افزایش کیفیت می شود. افزایش کیفیت کودک، به نوبه خود، قیمت سایه کمیّت کودک را افزایش می دهد. بنابراین، اثر خالص بر کمیّت کودک، ترکیبی از اثر درآمدی مستقیم (مثبت اگر کمیّت فرزند یک کالای عادی باشد) و اثر جایگزینی منفی است.

بکر در تحلیل های بعدی خود با تکیه بر ایده هایی از «نظریه تعاملات اجتماعی» بین کیفیت کودک و ورودی های والدین نیز ارتباط برقرار می کند که به مقولاتی همچون توانایی های موروثی و سرمایه گذاری های عمومی در کودکان مرتبط است (بکر، ۱۹۷۴؛ بکر و تومز، ۱۹۷۶). یکی از پیامدهای حضور موقوفه ها این است که کشش درآمدی کیفیت فرزند در سطوح پایین درآمد بیشتر است؛ زیرا برای والدین کم درآمد، وقف کسری بزرگتر از کیفیت کل فرزندان را نشان می دهد. بکر و تومز (۱۹۷۶) نشان می دهند که این ویژگی می تواند یک رابطه U شکل بین درآمد و باروری ایجاد کند؛ حتی اگر کشش های درآمدی با توجه به کمیّت فرزند و کیفیت کل فرزند (مجموع وقف و سرمایه گذاری والدین) برابر و ثابت باشد. بکر و تومز (۱۹۷۶) همچنین پیش بینی های این نظریه را مورد بحث قرار می دهند که آیا موقوفات کودکان به درآمد والدین بستگی دارد، و تأثیر آن را در نظر می گیرند.

۲-۴. پیوند انتخاب باروری با رشد اقتصادی

گری بکر، در کار مشترک با رابرت بارو، نظریه اقتصادی باروری را به نظریه رشد اقتصادی مرتبط کرد. بکر و بارو (۱۹۸۸) باروری را در یک مدل صریح بین نسلی تحلیل می کنند؛ در این مدل والدین نوع دوست از تعداد فرزندان خود و سودمندی کودکان سودمندی کسب می کنند؛ این امر نوعی «سودمندی سلسله ای» والدین از فرزند را القا می کند که به سودمندی فرزندان، سودمندی نوه ها و غیره بستگی دارد. بهره وری افراد دارای دو جزء توانایی ذاتی (مانند قدرت بدنی خام) و سرمایه انسانی اکتسابی است. به طور شهودی، در سطوح پایین سرمایه انسانی، سرمایه انسانی اکتسابی بخش کوچکی از درآمد را تشکیل می دهد، به طوری که درصد افزایش معینی در سرمایه انسانی اکتسابی، درآمد را به میزان کمی افزایش می دهد.

۳. مبانی اقتصاد جمعیت از منظر آموزه های قرآن کریم

بررسی مبانی اقتصاد جمعیت از منظر آموزه های قرآن کریم مستلزم استفاده از دیدگاه های مفسران و قرآن شناسان است؛ مبانی مزبور را می توان در محورهای آتی تبیین کرد:

۳-۱. ازدواج، بنیان مهم و محبوب الهی در جوامع انسانی و عامل توسعه رزق

از نظر اسلام، ازدواج عامل تکامل انسان، راه صحیح رضای غریزه جنسی و موجب بقای نسل است. قرآن نهاده شدن ازدواج در خلقت را از جمله آیات الهی می داند: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ

مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم: ۲۱)؛ و از نشانه‌های او، اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان، مودت و رحمت قرار داد.

علامه طباطبائی در *المیزان* می‌نویسد: یکی از روشن‌ترین جلوه‌گاه‌ها و موارد خودنمایی مودت و رحمت، جامعه کوچک خانواده است؛ چون زن و شوهر در محبت و مودت ملازم یکدیگرند، و این دو با هم و مخصوصاً زن، فرزندان کوچکتر را رحم می‌کنند، چون در آنها ضعف و عجز مشاهده می‌کنند، و می‌بینند که طفل صغیرشان نمی‌تواند نیازهای ضروری زندگی خود را تأمین کند، لذا آن محبت و مودت وادارشان می‌کند به اینکه در حفظ و حراست، و تغذیه، لباس، منزل، و تربیت او بکوشند؛ اگر این رحمت نبود، نسل بکلی منقطع می‌شد، و هرگز نوع بشر دوام نمی‌یافت (طباطبائی، ۱۳۶۰، ج ۱۶، ص ۲۴۷).

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در *تفسیر نمونه* بیان می‌دارد که آیه ۲۱ سوره «روم» بخش دیگری از آیات انفسی را که در مرحله بعد از آفرینش انسان قرار دارد، مطرح می‌کند. از آنجاکه ادامه پیوند میان همسران، نیاز به یک جاذبه و کشش قلبی و روحانی دارد، خداوند می‌فرماید بین زن و شوهر مودت و رحمت قرار داد: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً». از این رو کسانی که به این سنت الهی پشت‌پا می‌زنند، وجود ناقصی دارند؛ چراکه یک مرحله تکاملی آنها متوقف شده است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۵۳، ج ۲۶، ص ۱۸).

قرآن به مسلمانان توصیه می‌کند که مردان و زنان بی‌همسر را همسر دهند و فقر را مانع ازدواج قرار ندهند که خداوند آنها را حمایت می‌کند: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور: ۳۲)؛ [مردان و زنان] بی‌همسران و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید؛ اگر تهیدست‌اند، خدا آنان را از فضل خود بی‌نیاز می‌کند؛ و خدا بسیار عطاکننده و داناست. علامه طباطبائی در تفسیر این آیه بیان می‌دارد که در این آیه به مؤمنان دستور می‌دهد که مقدمات ازدواج جوانان مجرد را که صلاحیت ازدواج دارند، برده باشند یا آزاد، فراهم کنند؛ سپس خداوند وعده نیکویی می‌دهد به اینکه از فقر نترسند و مطمئن باشند که خداوند آنها را بی‌نیاز می‌کند و وسعت رزق می‌دهد. خداوند وسعت‌دهنده و داناست؛ چون رزق تابع صلاحیت مرزوق است، خداوند بر طبق علم و آگاهی خود روزی بندگان را تقدیر می‌کند (طباطبائی، ۱۳۶۰، ج ۱۵، قسمت ۶).

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در تفسیر این آیه می‌نویسد: از آنجاکه یک عذر تقریباً عمومی و بهانه همگانی برای فرار از ازدواج و تشکیل خانواده مسئله فقر و نداشتن امکانات مالی است، قرآن به این شبهه این‌گونه پاسخ می‌دهد: از فقر و تنگدستی آنها نگران نباشید و در ازدواجشان بکوشید؛ چراکه «اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند آنها را از فضل خود بی‌نیاز می‌سازد» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۵۳، ج ۱۴، ص ۴۵۶).

بنابراین تفاسیر و صراحت کلام قرآن کریم در رابطه مستقیم ازدواج و بی‌نیازی، می‌توان گفت عملاً از دیدگاه قرآن کریم، رویکرد هزینه - فرصتی در ازدواج و فرزندآوری مردود بوده و نوعی شرک و کفر به وعده خداوند متعال محسوب می‌گردد.

۳-۲. ازدواج عامل حفظ انسب

ازدواج و رعایت مقررات آن، نسب را حفظ می‌کند. در اسلام، حفظ نسب، پایه احکام و حقوق فراوانی است. بعضی از احکام فقهی، بر شناخت رابطه فرزند با پدر و مادر یا بر شناخت نسبت‌های فAMILIی دیگر، مبتنی است. تبعیت فرزند از پدر و مادر در کفر و اسلام، در طهارت و نجاست، در بردگی و حریت، ربا بین پدر و فرزند، قصاص نشدن پدر در قتل فرزند، مقبول نبودن شهادت پسر علیه پدر، وجوب قضای نمازهای میت بر پسر ارشد، مسائل ارث، ولایت پدر و جد، حقوق طرفینی مانند حق حضانت و نفقات، عاق والدین و اطاعت از آنها و مسائل اخلاقی مانند صلہ رحم، هبه به اقارب، عقیقه فرزند و مسائل فراوان دیگر، بر حفظ انسب متوقف است. لزوم انتظار زن برای ازدواج دوباره پس از وفات شوهر به مدت چهار ماه و ده روز (بقره: ۲۳۴)، ضرورت عده زن به مدت سه دوره پاکی پس از طلاق (بقره: ۲۲۸) و وجوب انتظار زن باردار برای ازدواج مجدد تا هنگام وضع حمل (طلاق: ۴)، حرمت ازدواج با زن شوهردار (نساء: ۲۴) و حرمت زنا (اسراء: ۳۲) نیز مقرراتی در راستای حفظ نسب است.

۳-۳. ازدواج بستر حفظ نوع بشر

طبق بیان قرآن در آیه ۱۱ سوره «شوری»، ازدواج وسیله‌ای برای تولید و بقای نسل در انسان و حیوان است: «جعل لکم من انفسکم ازواجاً و من الانعام ازواجاً یذروکم فیه» (شوری: ۱۱). در این آیه، عبارت «یذروکم فیه» بیانگر تکثیر نسل انسان است، در این جهت، میان انسان، چهارپایان و گیاهان تفاوتی نیست. خداوند متعال در آیه ۱ سوره «نساء» می‌فرماید: پروردگار، شما را از «نفس واحدی» آفرید و جفتش را نیز از او خلق کرد، و از آن دو، مردان و زنان بسیاری را پراکنده ساخت. در آیه ۷۲ سوره «نحل» نیز چنین آمده است: از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه‌ها قرار داد. قرآن، بقای نسل انسان و اجتماع مدنی را به ازدواج منوط می‌داند و روی آوردن به زنا و لواط را نابودکننده راه بقای نسل می‌شمارد: «و لا تقرّبوا الزنی انه کان فاحشه و ساء سبیلاً» (اسراء: ۳۲)، «انکم لتأتون الرجال و تقطعون السبیل» (اعراف: ۸۱)؛ زیرا با رواج راه‌های نامشروع، رغبت به نکاح کم می‌شود؛ جاذبه‌اش از بین رفته، فقط بار تأمین مسکن و نفقه و به دنیا آوردن اولاد و تربیت آنان، باقی می‌ماند. در نتیجه، آسان‌ترین راه‌های اشباع غرایز که نامشروع است، رایج می‌شود و هدف بقای نسل، رنگ می‌بازد.

ترک ازدواج و جلوگیری از فرزند و تحریم حلال‌های الهی، باطل‌گرایی و کفران نعمت است (قرآنی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۵۵۳). از آنجاکه وجود همسر و فرزندان اساسی تکوینی دارد و جامعه بشری و بقایش بدان وابسته است، باعث تحقق تعاون و کمک میان افراد بشری می‌شود؛ کفران این نعمت باعث هلاکت جامعه انسانی می‌شود؛ یعنی اگر انسان نعمت تشکیل خانواده را کفران کند و به جای آن روش‌های دیگری برای زندگی برگزیند، هیچ رابطه دیگری جایگزین آن نخواهد شد و جمعیت بشر متلاشی گشته و هلاکت نوع انسان قطعی خواهد بود (طباطبائی، ۱۳۶۰، ج ۱۲، بخش ۳۲). با توجه به تفاسیر آیات قرآن مجید، خداوند متعال برخلاف نظریه گری بکر، نگاه کالایی و ابزاری به ازدواج و فرزند را کفران نعمت می‌داند و برای آن مجازات هلاکت قطعی در نظر گرفته است.

۳-۴. دستور دین به داشتن فرزندان صالح

یکی از خواسته‌های غریزی انسان، نیاز فطری به پدر و مادر شدن است؛ پاسخ به این خواسته با ازدواج و داشتن فرزند تأمین می‌شود؛ زیرا اصل تولید و تکثیر، از راه‌های غیرمشروع نیز ممکن است؛ ولی در سایه ازدواج، نسلی دارای اصل و نسب پدید می‌آید. قرآن در آیاتی، فرزند را زینت زندگی دنیا شمرده که بیانگر رغبت انسان به داشتن فرزند و برقرار شدن رابطه پدر یا مادر و فرزند است «المال و البنون زينة الحياة الدنيا» (کهف: ۴۶). داشتن فرزند به صورت ثمره ازدواج، با تعبیرهای گوناگونی در قرآن آمده است. خداوند متعال در آیه ۲۲۳ سوره «بقره» می‌فرماید: «نساوكم حرث لکم فاتوا حرثکم انی سئتم واتقوا الله»؛ در این آیه تأکید شده که فرصت‌ها برای تولید و پرورش فرزندان صالح بهره‌گیرد. در تفسیر این آیه عنوان شده که زنان وسیلهٔ هوسبازی نیستند، بلکه رمز بقای نسل بشر می‌باشند. پس لازم است در آمیزش جنسی، هدف انسان تولید یک نسل پاک باشد؛ نسلی که ذخیره قیامت است؛ در چنین لحظات و حالاتی نیز مناسب است هدفی مقدس دنبال شود. جملهٔ «وَ اتَّقُوا اللَّهَ» هشدار می‌دهد که از راه‌های غیرمجاز، بهره جنسی نبرید و به نحوی حرکت کنید که در قیامت سرافراز باشید و اولاد و نسلی را تحویل دهید که مجسمهٔ عمل صالح و خیرات آن روز باشند (قرآنی، ۱۳۷۴، ج ۱؛ ص ۳۵۱) در این آیه زنان تشبیه به مزرعه شده‌اند؛ این تشبیه ممکن است برای بعضی سنگین آید که چرا اسلام دربارهٔ نیمی از نوع بشر چنین تعبیری کرده است؛ در حالی که نکته باریکی در این تشبیه نهفته است؛ قرآن با این تعبیر می‌خواهد ضرورت وجود زن در اجتماع انسانی را بیان کند؛ براساس این بیان زن وسیله اطفاء شهوت و هوسرانی مردان نیست؛ بلکه وسیله‌ای برای حفظ حیات نوع بشر است. این سخن در برابر آنها که نسبت به جنس زن همچون یک بازیچه یا وسیله هوسبازی می‌نگرند، هشدار می‌دهد؛ محسوب می‌شود. سپس در ادامه آیه می‌افزاید: «با اعمال صالح و پرورش فرزندان صالح، آثار نیکی برای خود از پیش بفرستید» (وَ قَدِّمُوا لِنَفْسِكُمْ). این فراز آیه اشاره به این دارد که هدف نهایی از آمیزش جنسی، لذت و کامجویی نیست؛ بلکه هدف باید ایجاد و پرورش فرزندان، شایسته باشد؛ افراد با فرزندآوری، فرزند را به‌عنوان یک ذخیره معنوی برای فردای قیامت از پیش می‌فرستند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۵۳، ج ۱، ص ۲۰۳).

با توجه به آیات مورد اشاره، فرزندآوری برخلاف نگاه کمیت - کیفیت مکتب شیکاگو، یک امر مقدس و یک تکلیف الهی در ازدواج است که می‌بایست دنبال گردد؛ امری که از جمله موارد مؤثر در سعادت اخروی افراد است.

۳-۵. جایگاه فرزندآوری و افزایش جمعیت در اسلام

نکته مشترک در آموزش‌های کلیه ادیان، سفارش به ازدیاد پیروان و آوردن اولاد است. البته در دوران نزول ادیان با عنایت به تأثیر نیروی انسانی در درآمدزایی و دفاع از حریم خاندان و سرزمین، این سفارش کاملاً منطقی و معقول است. بی‌تردید، آئین اسلام بلکه تمامی ادیان آسمانی، پیروان خود را به افزایش جمعیت با ایمان و شایسته، به اندازه‌ای که در توان آنان باشد، فرامی‌خواند. در قرآن آیات متعددی در مورد فرزند وجود دارد؛ از مجموع این آیات چنین برداشت می‌شود که فرزندان، نعمت‌های الهی نزد والدین می‌باشند و همانند سایر نعمت‌های الهی، هم

می‌توان با استفاده صحیح از آنها در مسیر تکامل و هدایت خود و آنها از ایشان بهره جست و هم می‌توان با عدم استفاده صحیح از آنها خود و آنها را به خاک مذلت نشانند.

در قرآن کریم اصل وجود فرزند به‌عنوان نعمت الهی یاد شده است. خداوند متعال در آیه ۷۲ سوره «نحل» می‌فرماید: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ أَرْوَاجِكُمْ بَيْنَ وَحَفْدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ»؛ خدا برای شما از خودتان همسرانی قرار داد و از همسرانتان برای شما پسران و نوادگانی نهاد و از چیزهای پاکیزه به شما روزی بخشید آیا [باز هم] به باطل ایمان می‌آورید و به نعمت خدا کفر می‌ورزید». همچنین، در آیه ۴۶ سوره «کهف» از فرزندان به‌عنوان زینت زندگی یاد شده و آمده است: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا»؛ مال و پسران زیور زندگی دنیایند و نیکی‌های ماندگار از نظر پاداش نزد پروردگارت بهتر و از نظر امید [نیز] بهتر است.

هرچند مال و فرزند می‌تواند زینت دنیا باشد، اما اینها اموری فریبنده و زود گذر می‌باشند که آن منافع و آمالی را که انسان از آنها انتظار دارد، برآورده نمی‌سازند؛ اما اعمال شایسته و صالح برای انسان در نزد خدا محفوظ است و برای او باقی می‌ماند و این‌گونه اعمال نزد خدا ثواب بهتری دارد، چون خداوند در قبال آنها به فرد انجام‌دهنده بهترین پاداش را می‌دهد (طباطبائی، ۱۳۶۰، ج ۳، ۱۳، قسمت ۱۵).

خداوند متعال مال و فرزند را دو رکن اساسی زندگی دنیا قلمداد کرده و می‌فرماید: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (کهف: ۴۶)؛ اموال و فرزندان زینت حیات دنیا می‌باشند. فرزندان همانند شکوفه‌ها و گل‌هایی می‌باشند که بر شاخه‌های درخت آشکار می‌شوند؛ زودگذرند، کم‌دوامند و اگر از طریق قرار گرفتن در مسیر «الله» رنگ جاودانگی نگیرند، بسیار بی‌اعتبارند. این آیه انگشت روی دو بخش از مهم‌ترین سرمایه‌های زندگی دنیا یعنی «نیروی اقتصادی» و «نیروی انسانی» گذاشته است. در ادامه خداوند می‌فرماید: «باقیات صالحات (یعنی ارزش‌های پایدار و شایسته) نزد پروردگارت ثوابش بهتر و امیدبخش‌تر است» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۵۳، ج ۳، ص ۴۷).

با اندیشه و تدبر در آیه ۴۶ سوره «کهف» درمی‌یابیم که یکی از ارزشمندترین نعمات دنیایی خداوند متعال به انسان‌ها، فرزندان می‌باشند. خداوند در این آیه فرزند را زینت حیات دنیا می‌داند و از اشتیاق و تمایل فطری انسان‌ها به فرزند سخن می‌گوید. در مقابل، نگاه مکتب شیكاگو به فرزند نگاهی مادی است؛ در این رویکرد فرزند به هیچ عنوان نعمت الهی در نظر گرفته نمی‌شود؛ از نگاه مکتب شیكاگو، در فرزندآوری تمایلات مالی دارای اولویت نسبت به تمایل و اشتیاق فطری انسان می‌باشد.

در آیه ۷۱ سوره «هود» نیز از فرزند به‌عنوان بشارتی برای پدر و مادر یاد شده و آمده است: «وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاَهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنَ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ»؛ زن او ایستاده بود خندید پس وی را به اسحاق و از پی اسحاق به یعقوب مژده دادیم. در آیات ۵۱-۵۳ سوره «حجر» در این رابطه آمده است: «وَنَبِّئْهُمْ عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجَلُونَ قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ»؛ و از مهمانان ابراهیم به آنان خبر ده، هنگامی که بر او وارد شدند و سلام گفتند [ابراهیم] گفت ما از شما بیمناکیم، گفتند مترس که ما تو را به پسری دانا مژده می‌دهیم.

با توجه به این آیات مورد اشاره، فرزند یک مژده و بشارت الهی می‌باشد؛ تعداد فرزند بیشتر باعث مسرت و شادمانی بیشتر و نیز افزایش نعمات خداوند متعال می‌شود. براساس این مضامین قرآنی، نگاه کالایی به فرزند امری مذموم و خلاف نص صریح آیات قرآن می‌باشد.

۴. تحلیل تطبیقی مبانی اقتصاد جمعیت از منظر مکتب شیکاگو و قرآن

با جمع‌بندی آیات مرتبط با ازدواج و فرزندآوری در قرآن کریم درمی‌یابیم که فرزند یک مژده و بشارت الهی و یکی از ارزشمندترین نعمت‌های خداوند متعال به انسان است؛ نعمتی که از آن با عنوان زینت حیات دنیا یاد شده است؛ انسان‌ها فطرتاً تمایل و اشتیاق و علاقه به فرزندآوری دارند. همچنین ازدواج یک امر مقدس و تکلیف الهی است که در سعادت اخروی بشر مؤثر می‌باشد؛ خداوند هر کس تجرد و کفران نعمت فرزند را پیشه کند، به هلاکت قطعی انذار می‌دهد. همچنین ازدواج عامل توسعه رزق و رفع فقر می‌باشد. فرزندآوری باعث تأمین نیروی کار بانشاط و جوان و تأمین منابع انسانی در مسیر پیشرفت و توسعه است؛ در نگاه قرآنی، ترس از ازدواج به خاطر موانع مالی، شرک تلقی می‌گردد.

در مقابل نگاه مکتب شیکاگو به مقوله ازدواج و فرزندآوری، برگرفته از نگاه بازاری است؛ نگاهی که در آن فرزند نوعی کالا تصور می‌شود. مکتب شیکاگو با ارائه نظریه کمیت - کیفیت جمعیت، رسماً منطبق فرزندآوری را براساس هزینه فرصت اقتصادی استوار می‌کند و مخالف تعداد بالای فرزند در یک خانواده می‌باشد.

ادبیات اقتصاد جمعیت در مکتب شیکاگو تکیه بر هزینه فرصت فرزندآوری و نگاه کالایی و مادی به فرزند دارد. فرض اصلی نظریه بکر این است که کودکان برای والدین مانند کالاهای مصرفی بادوام می‌مانند. از سوی دیگر خانواده به‌مثابه یک کل تلاش می‌کند تا کالاهای بیشتری اعم از فرزندان و سایر کالاها را با توجه به بودجه محدود خود مصرف کند. در این حالت مطلوبیت خانواده عبارت از مطلوبیت حاصل از مصرف فرزندان و دیگر کالاهاست. براساس این مدل، بکر می‌کوشد مسئله کاهش باروری را تبیین کند؛ زیرا به اعتقاد وی هزینه فرزندان در دنیای کنونی در حال افزایش است.

استدلال بکر برای کاهش درآمدی کم کمیت فرزند و کاهش درآمدی بالای کیفیت کودک مبتنی بر قیاس فرزند به سایر کالاهای بادوام مصرفی همچون اتومبیل و خانه است. وقتی خانواده‌ها ثروتمندتر می‌شوند، در بیشتر موارد، تعداد بیشتری ماشین یا خانه نمی‌خرند؛ بلکه به دنبال کیفیت بالاتر می‌باشند. بر این اساس، بکر نتیجه می‌گیرد که کاهش درآمدی برای کیفیت کودک (یعنی هزینه برای هر کودک) باید بالا باشد، در حالی که کاهش کمیت (یعنی تعداد فرزندان) باید کم باشد.

در مقابل، نگاه اسلام به اقتصاد جمعیت متفاوت است؛ اسلام و سایر ادیان آسمانی، پیروان خود را به افزایش جمعیت با ایمان و شایسته، به اندازه‌ای که در توان آنان باشد، فرامی‌خواند. در قرآن آیات متعددی در مورد فرزند وجود

دارد که از مجموع آنها چنین برداشت می‌شود که فرزندان، نعمت‌های الهی نزد والدین می‌باشند؛ فرزندان همانند سایر نعمت‌های الهی، می‌توانند در مسیر صحیح و تکامل و یا در مسیر انحطاط استفاده شوند. در منطق هزینه - فرصت از نگاه اقتصاد اسلامی، ازدواج و فرزندآوری نه تنها عامل افزایش هزینه‌ها و افت شرایط اقتصادی نیست، بلکه عامل توسعه رزق و خروج از فقر است؛ حتی با منطق اقتصادی نیز فرزندآوری امری مثبت و ارزشمند در جهت رفاه تلقی می‌گردد. همچنین بر عکس منطق موجود در ادبیات اقتصادی مکتب شیکاگو مبتنی بر حرکت به سمت کاهش فرزندآوری، دستور صریح قرآن کریم بر پایه افزایش کمی جمعیت و افزایش فرزندآوری می‌باشد.

از منظر دانش اقتصاد اسلامی، کثرت فرزند در خانواده انتخابی منطقی است و برخلاف رویه کالایی کمیّت - کیفیت فرزند می‌باشد. افزایش فرزندآوری از منظر رویکرد «انتخاب عقلایی مطلوبیت‌گرایانه» مستلزم بیشینه‌سازی لذت مادی و معنوی در دنیا و آخرت برای والدین است؛ اقدامی که منافع مادی و معنوی فراوانی نصیب آنان می‌کند. همچنین از منظر «انتخاب عقلایی غیرمطلوبیت‌گرایانه»، افزایش فرزندآوری باعث بیشینه‌شدن رضایت خداوند متعال می‌شود. از نگاه «عقلانیت بارور شده» نیز والدین مسلمان به دور از نفع‌جویی شخصی و در راستای حرکت به سمت عدالت و شناخت مطابق با واقع و اعتقاد درست و دینی در پی فرزندآوری می‌باشند؛ در این حالت، عقل عملی اعمال شایسته و ثواب را به انسان می‌نمایاند و او را به سوی افزایش فرزندآوری به حرکت وامی‌دارد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی و نقد دیدگاه مکتب شیکاگو در زمینه اقتصاد جمعیت با رویکردی قرآنی پرداختیم. پرسش اساسی این بود که مبانی اقتصاد جمعیت از منظر مکتب شیکاگو چه تفاوتی با آموزه‌های قرآنی دارد. نتایج این پژوهش این فرضیه را تأیید کرد که مبانی اقتصاد جمعیت از منظر مکتب شیکاگو با آموزه‌های قرآنی ناسازگار است.

براساس نظریه اقتصاد جمعیت مکتب شیکاگو که عمدتاً توسط گری بکر در قالب نظریه کمیّت - کیفیت جمعیت گسترش داده شده، فرزند به عنوان کالایی بادوام نگریسته می‌شود. در این چارچوب نظری، هزینه والدین برای فرزندان از منظر هزینه فرصت و مطلوبیت حاصل از آن تجزیه و تحلیل می‌شود. این در حالی است که از منظر قرآن، فرزندآوری ذاتاً امری مقدس و از تکالیف الهی است؛ اقدامی که موجب برک و افزایش روزی می‌شود. در نگرش قرآنی، فرزندآوری نوعی تکلیف شرعی و عملی مقدس تلقی می‌شود؛ برداشتی که با رویکرد مکتب شیکاگو به فرزندآوری کاملاً ناسازگار است.

مکتب اقتصاد جمعیت شیکاگو مبتنی بر نوعی عقلانیت ابزاری است که در آن انتخاب فرزند متأثر از محاسبه مطلوبیت و سود حاصل از کمیّت و کیفیت فرزندان است. در مقابل، منطق انتخاب عقلایی در قرآن، عقلانیت در فرزندآوری را به گونه‌ای متفاوت تبیین می‌کند. براساس رویکردهای مطلوبیت‌گرایانه، افزایش تعداد فرزندان باعث بیشینه‌شدن لذت مادی و معنوی در دنیا و آخرت می‌شود. براساس رویکردهای غیرمطلوبیت‌گرایانه، فرزندآوری باعث بیشینه‌شدن رضایت خداوند متعال می‌شود.

- احمدی، هانیه و زهرا و حاجی هاشمی، ۱۳۹۴، «تحلیل تطبیقی مقایسه‌ای»، بازیابی شده از تارنمای تجزیه و تحلیل سیاستگذاری عمومی، <http://ippra.com>
- اسدی، مصطفی، ۱۳۸۸، «نگاهی به اهداف و آثار ازدواج در قرآن»، *پرتال جامع علوم و معارف قرآن*.
- اسلامی، رضا، ۱۳۹۲، «مطلوبیت افزایش جمعیت مسلمان از نگاه فقهی»، *فقه*، ش ۷۸، ص ۱۱۳-۱۳۴.
- توکلی، محمدجواد، ۱۳۹۵، *اقتصاد جمعیت (از اقتصاد متعارف تا اقتصاد مقاومتی)*، قم، وثوق.
- _____، ۱۴۰۰، «چشم‌اندازهای نظریه عقلانیت محدود در اقتصاد اسلامی»، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ش ۱۱۳(۲)، ص ۱۸۱-۲۱۰.
- دمنه، فاطمه و سیدفرشاد فاطمی، ۱۳۹۹، بررسی ترجیحات والدین در مورد کمیت و کیفیت فرزندان: مطالعه موردی جامعه شهری ایران در بازه ۱۳۹۰-۱۳۸۵، تهران، شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۶۰، *المیزان فی تفسیر القرآن*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- غفاری، غلامرضا، ۱۳۸۸، «منطق پژوهش تطبیقی»، *مطالعات اجتماعی ایران*، دوره سوم، ش ۴، ص ۷۶-۹۲.
- قرائتی، محسن، ۱۳۷۴، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- محمودی، محمدجواد و همکاران، ۱۳۹۴، «اقتصاد و باروری (نظریه‌ها و نقدها)»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۶۹، ص ۲۱۳-۲۴۴.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۵۳، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- منظور، داود و همکاران، ۱۳۹۲، «اصول موضوعه حاکم بر رفتار انسان اقتصادی از منظر معرفت دینی»، *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ش ۲۱ (۶۵)، ص ۱۰۵-۱۲۲.
- مهربانی، وحید، ۱۳۹۲، «بررسی مقایسه‌ای الگوها و مکاتب اقتصاد باروری با به کارگیری داده‌های ایران»، *انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ش ۱۶، ص ۵-۲۷.
- میرمعزی، سیدحسین، ۱۳۸۴، *اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- هادوی‌نیا، علی‌اصغر، ۱۳۸۷، *فلسفه اقتصاد در پرتو جهان‌بینی قرآن کریم*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- Becker, G. S, 1974, "On the Relevance of the New Economics of the Family", *The American Economic Review*, No. 64(2), p. 317-319.
- _____, 1960, "An Economic Analysis of Fertility, NBER Chapters", in *Demographic and Economic Change in Developed Countries*, National Bureau of Economic Research, Inc.
- Becker, G. S. & Tomes, N, 1976, "Child Endowments and the Quantity and Quality of Children", *Journal of Political Economy*, No. 84(4), S143-S162.
- Becker, Gary S & Robert J. Barro, 1988, "A Reformulation of the Economic Theory of Fertility", *The Quarterly Journal of Economics*, Vol. 103, N.1, P. 1-25,
- Bergmann, Barbara, 1995. "Becker's theory of the family: Preposterous conclusions", *Feminist Economics, Taylor & Francis Journals*, Vol. 1(1), p 141-150.
- Doepke, Matthias, 2015, "Gary Becker on the quantity and quality of children", *Journal of Demographic Economics*, N. 81, p. 59-66.
- Lee R, 2015, "Becker and the Demographic Transition", *J Demogr Economics*, No. 81(1), p. 67-74.
- Lehrer, Evelyn, 2008, "Age at marriage and marital instability: revisiting the Becker-Landes-Michael hypothesis", *Journal of Population Economics*, Vol. 21, No. 2, p. 463-484.
- Repo, Jemima, 2018, *Gary Becker's Economics of Population: Reproduction and Neoliberal Biopolitics*, School of Geography, Politics and Sociology, Newcastle University, Newcastle Upon Tyne, United Kingdom.
- Rosen, Sherwin, 1993, "Risks and Rewards: Gary Becker's Contributions to Economics", *The Scandinavian Journal of Economics*, Vol. 95, No. 1, p. 25-36.
- Sen, A, 1988, *On Ethics and Economics*. Blackwell